



سبک هرژه

نگاهی بر ساختار تصویری

داستان‌های دنباله‌دار «تن‌تن»

A Glance at the Photographic
Construction of Serialized Fictions

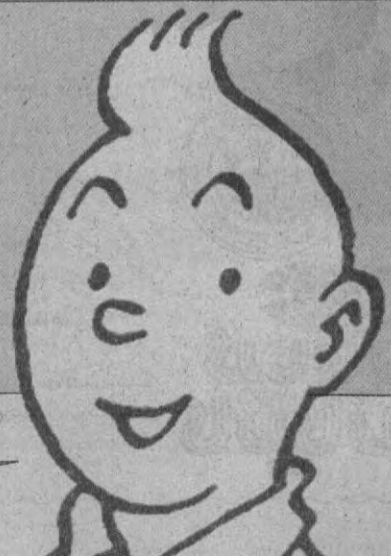
پرویز اقبالی

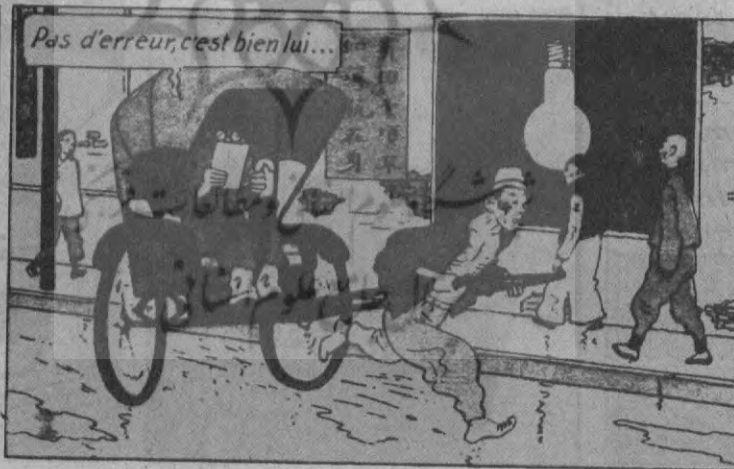
عضو هیئت علمی دانشکده هنر دانشگاه شاهد

مقدمه‌ای شد برای طراحی شخصیت افسانه - ای «تن‌تن» که در آثار بعدی «هرژه» نقش محوری‌اش سبب به وجود آمدن ماجراهای مختلفی گردید. (۱)

در میان داستان‌های تصویری دنباله‌دار، تن‌تن دارای نوع خاصی از جذابیت‌های تصویری است که در آن شخصیت‌پردازی آدم‌ها و فضاسازی اطراف آن‌ها با تکیه بر عالم خیالی، دارای نوعی خاص از اغراق است. توصیف این اغراق می‌تواند تا حد زیادی شاه‌کلید فهم آثار هرژه باشد. به همین دلیل درک تاریخی داستان‌های تصویری دنباله - دار آن دوران و نقش محوری و متقابل این

«تن‌تن» یکی از اسطوره‌های به‌یاد ماندنی قرن بیستم است که در دوره جدید مبلغ تفکر و فرهنگ غربی بود. طراح و نویسنده و خالق این شخصیت شخصی بود به نام ژرژ رمی که پیش‌تر دوست داشت او را «هرژه» صدا کنند. وی در بیست و دوم ماه مه ۱۹۰۷ در منطقه اتریک که بخشی از شهر بروکسل پایتخت بلژیک بود، به دنیا آمد. هرژه در ۱۳ سالگی راهی مدرسه سنت بونیفاس شد، اما مدتی بعد به عضویت نیروی پیشاهنگی بلژیک درآمد و در روزنامه آن اولین شخصیت کارتون خود را با نام «تورتور» طراحی کرد. شخصیت «تورتور»

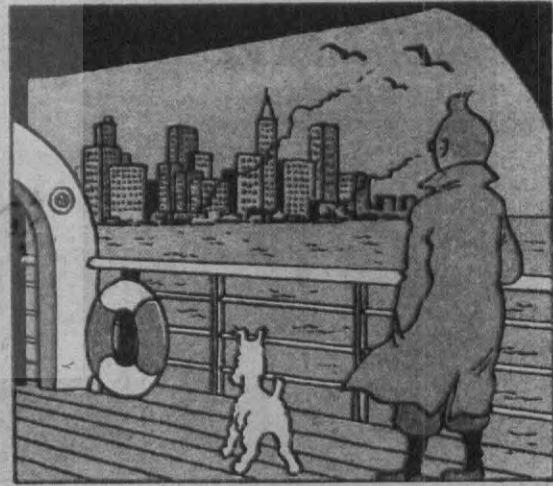
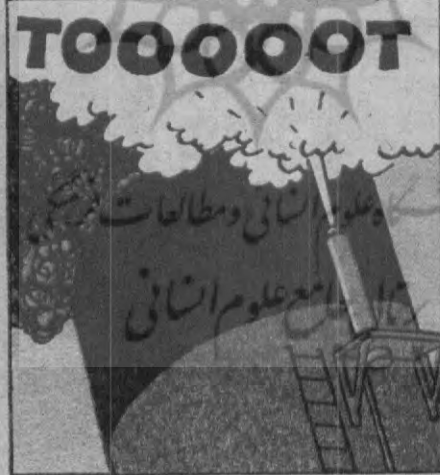




... coup de théâtre vient de se produire dans l'affaire Tintin. Le célèbre et sympathique jeune reporter, qui avait mystérieusement disparu, il y a quelques jours lors qu'il assistait à un banquet donné en son honneur, vient de faire sa réapparition en faisant réapparaître, en leur principal repaire, les membres du Syndicat des bandits de Chicago. 355 arrestations ont été opérées. De nombreux documents ont été saisis, ce qui fait prévoir encore d'autres arrestations. Il s'agit donc d'un véritable assainissement de la ville de Chicago. Dans les déclarations que Monsieur Tintin a bien voulu faire à la presse, il a dit avoir rencontré chez les gangsters des ennemis acharnés, cruels et implacables. Bien souvent, il fut sur le point de payer sa vie l'audace qu'il avait eue de s'attaquer à eux. Aujourd'hui, enfin, il a triomphé de toutes ses embûches. L'Amérique toute entière tiendra, nous en sommes sûrs, à prouver sa reconnaissance à Tintin le reporter, ainsi qu'à son fidèle compagnon Milou, vainqueurs des bandits de Chicago!...



Après une série de réceptions, Tintin s'embarque pour l'Europe...



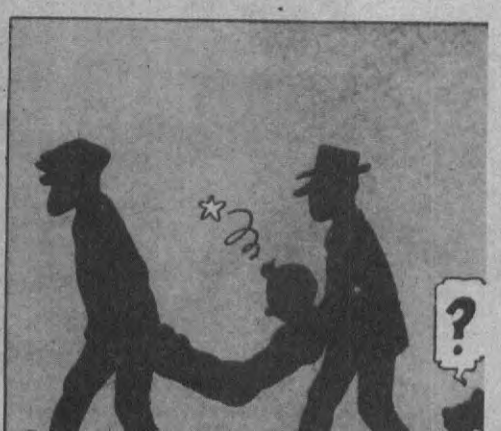
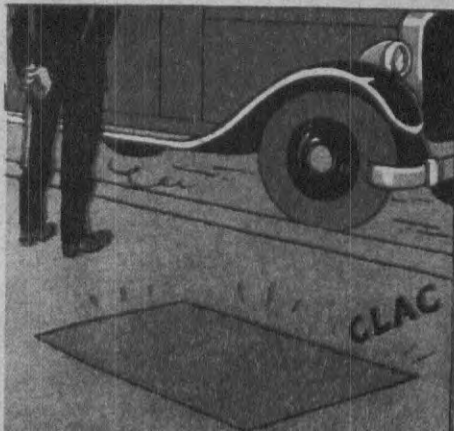
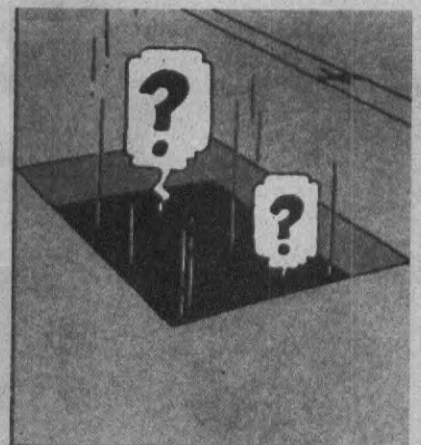
گروه‌هایی موسوم به DCCOMICS و MARVEL COMICS GROUP است. تاثیرات اصول مختلف طراحان کمیک در سبک‌های متفاوت نه تنها در داستان‌های مصور تولید آن‌ها، بلکه در عرصه‌های گوناگون نمود داشته است. گای بیلوت، تصویرگر آمریکایی، اساساً شیوه تصویرگری‌های خود را بر پایه همان اصول تعلیمی مدرسه بلژیکی "COMICS" قرار داده است که بنا بر ظرافت ایده وی در کارهایش بسیار جا افتاده و موفق می‌نماید. (۲)

هماهنگی تکنیکی آثارشان بازی می‌کرد. استفاده آندک از سیاه و قلم‌گیری حسی طرح‌هایشان و نیز به کارگیری خاکستری‌های متنوع رنگی از ویژگی‌های عمده آثار کمیک آن دوران است که بعدها به عنوان یک پشتوانه فرهنگی و تکنیکی در خدمت آثار کارتونی و انیمیشنی قرار گرفت. «در هر حال، سبک هرزه بعدها در خود بلژیک و در مدرسه "comics" تکامل یافت. اعتقاد بر این است که در این سبک، شیوه طراحی و رنگ‌آمیزی متأثر از سبک‌های ایتالیایی، ژاپنی، آمریکایی و به خصوص

آثار بر یکدیگر می‌تواند به ما بگوید که چرا سبک و شیوه اجرایی و اغراق‌های مطرح در این آثار این قدر به هم شبیه‌اند. بدون تردید، اوج شکوفایی کمیک استریپ در خلال دهه‌های ۱۹۳۰ تا ۱۹۶۰ بود. در دهه ۱۹۳۰، طراحی خاص در نقاط مختلف عالم پایه‌گذار سبک‌ها و روش‌های ویژه در زمینه داستان‌های تصویری دنباله‌دار بودند که از آن میان هرزه در اروپا، اوساموتزوکا در ژاپن و جک کربی (Jack Kirby) در آمریکا برجسته‌ترین. نشر فراگیر آثار آنان در آن زمان بیش‌ترین نقش را در نزدیکی و



Quelques jours après...



که مصور نیستند آسان تر است. اما داستان - های مصوری از این نوع (کارتونی) راه را بر کارگردانان می بندد. بار اول در ۱۹۴۶ بر اساس داستان «خرچنگ پنجه طلایی» فیلمی عروسکی ساخته شد که شرکت بیوس آن را تولید کرد. در ۱۹۶۰، نسخه های سینمایی از ماجراهای تن تن روی پرده سینما رفت که ژان پیر تالیوت بلژیکی به جای تن تن بازی می کرد. «پرتقال آبی» نیز در ۱۹۶۴ به زبان آلمانی و به صورت رنگی ساخته شد. در سال ۱۹۶۹، تلویزیون بروکسل بر اساس «معبد خورشید» فیلمی کارتونی ساخت که به شدت مورد استقبال قرار گرفت. در سال - های آخر دهه ۷۰ هم مستندی به نام «من، تن تن» ساخته شد که آن را به «هرزه» تقدیم کردند. سال ها بعد در دهه ۸۰، تلویزیون بلژیک تمام داستان های تن تن را به صورت کارتون پخش کرد و در حدود ۹ سال پیش نیز سیمای جمهوری اسلامی ایران به پخش آن اقدام کرد. (۳)

پس می توان نتیجه گرفت که کمیک استریپ - های تن تن از نظر ساختار طراحی و نوع بیان تصویری به درد سینما نمی خورد. این نوع آثار بیش تر با دنیای کارتون و انیمیشن پیوند دارند و چون در یک فضای فانتزی و اغراق آمیز سیر می کنند و کمتر با دنیای واقعی درگیرند، بیش تر در ذهن مخاطب باقی می مانند.

بر همین اساس، می توان گفت که شیوه و سبک هرزه پایه گذار شیوه و سبک اروپایی شد، اما این سبک به شدت تحت تاثیر سینمای آن روز بود که در ساختار خود از زمینه های یکسان، شخصیت های مشترک و نگاه نمایشی همگون بهره می برد و تغییر در کارها به صورت غیر متعارف کمتر معمول بود. هرزه هیچ وقت روایت گری کارهای خویش را دستخوش تغییر و تحولی خاص نکرد، او برای تفهیم موقعیت ها، جغرافیای حاکم بر داستان و تشریح تصویری واقعه مطرح در آن، نیاز به کارهای داشت که به - طور منظم آن واقعه را حکایت کنند.

داستان های فرانسیسی «آستریکس» (ASTERIX) هم تقریباً به همین شیوه طراحی و اجرا شد، اما در مقابل شیوه و سبک آمریکایی، جسارت بیشتری را در شکستن کارها و تلفیق چند کار و چند پرسوناژ از خود نشان داد. آن ها به تنوع کارها اهمیت می دادند و گاه با پلان بندی قاب ها ترکیب بندی های پر هیجان و شلوغی را به نمایش می گذاشتند، اما متأسفانه زیاد در قید نشان دادن جهت کارها نبودند. اصل اساسی در تصویرسازی های استریپ در نظر گرفتن موقعیت دوبعدی کاغذ بود که بعدها با دور شدن از سینما و نحوه نمایش استوری بوردی آن، با تلفیق این دو سبک با هم، به شدت مورد استقبال هنرمندان این رشته قرار گرفت.

رابطه تن تن و سینما رابطه خوبی نیست و این خوب نبودن بیش از آن که جنبه منفی داشته باشد، مثبت است. تن تن یک کارتون است، یک شخصیت کاغذی که همه جذابیتش را از داستان های دنباله دار می گیرد. طبیعی است که کمتر کارگردانی در سینما به سراغ چنین شخصیتی می رود. کار داستان هایی

پانوشته ها:

- ۱ - محسن آزر، «اسطوره کاغذی»، پیلان، ش ۱۱ (بهمن ۱۳۸۱)، ص ۷۸
- ۲ - علیرضا جلوه نژاد، «کمیک استریپ، بیان روایتی گرافیک»، کیهان کاریکاتور، ش ۱۱، صفحات ۲۰ و ۲۱
- ۳ - محسن آزر، همان، ص ۷۸